

# یک روزان

نشریه فرهنگی مذهبی یک روزان شماره چهلیم  
ویژه تیر ماه سال ۱۳۹۳ شمسی ۱۳۲۵ هجری قمری

امام علی علیه السلام: ای روزه‌دار! در شب و روزت با تلاوت کتاب خدا، به او تقرب بجوی، که همانا کتاب خدا، شفیهی است که روز قیامت، شفاعت برای قرآن‌خوانان پذیرفته است و با خواندن آیات آن، از درجه‌های بهشت بالا می‌روند. کتاب ماه خدا، محمدی ری شهری، ج ۱، ص ۱۷۶

این نشریه حاوی اسماء متبرک است



تدابیر لازم برای یک ماه رمضان گرم و تابستانی

کنترل تشنگی

مهمترین مشکل روزه داران محترم در این روزهای گرم و طولانی مرداد ماه تشنگی ناشی از گرمای هواست که تقریباً تمام کشور ما درگیر آن است. از نوشیدن به یکباره چند لیوان آب به هنگام افطار و یا سحر خودداری کنید که برای معده آزاردهنده است؛ در عوض خوردن هندوانه، نوشیدن انواع و اقسام آب میوه، شربت و یا همان آب معمولی به مقدار کم، ولی مستمر؛ ضمن لذت بخش بودن ذخیره خوبی برای شما در طول روز خواهد بود. نوشیدن مایعات گازدار و یا شور توصیه نمی‌شود؛ چون اولی موجب اختلالات گوارشی و دومی سبب تشنگی‌های مکرر می‌شود که هر دوی اینها برای انسان روزه دار آزاردهنده است و نیز بدانید که جای بر خلاف تصور عمومی سبب تشنگی در طول روز می‌شود.

کنترل گرسنگی

اگر غذایی که در وعده سحری استفاده می‌کنید زود هضم شود شما خیلی زود احساس گرسنگی خواهید کرد و این در حالی است که تا افطار زمان زیادی مانده است؛ بنابراین توصیه می‌شود در وعده سحری از غذاهایی استفاده کنید که به اصطلاح دیر هضم اند؛ این غذاها، ساعتها دستگاه گوارش را به خود مشغول می‌کنند و همین سبب می‌شود تا انسان احساس گرسنگی نکند. کارشناسان تغذیه معتقدند غذاهای دیر هضم نظیر نان، برنج و سیب زمینی که دارای کربوهیدرات‌های پیچیده هستند و همچنین میوه، سیبزی، غلات و حبوبات گروه‌های غذایی مناسبی برای وعده سحری هستند و در مقابل بهتر است از مصرف غذاهای سرخ شده، پرچرب و شیرین در این وعده غذایی خودداری گردد. به گفته ایشان غذاهای دیر هضم به دلیل داشتن فیبر زیاد، معمولاً هشت ساعت در دستگاه گوارش می‌مانند در حالیکه غذاهای زود هضم، سه تا چهار ساعت در معده می‌مانند و فرد خیلی زود احساس گرسنگی خواهد کرد.

کمک به تازه مکلفین

آقا پسرها و به خصوص دختر خانمهایی که تازه به سن تکلیف رسیده اند نیاز جدی به همکاری و همیاری اطرافیان به ویژه والدین خود دارند. توجه داشته باشید که آنها در خوردن و آشامیدن عجلوند که این ممکن است موجب رفتار نامناسب غذایی در آنها شود؛ بنابراین توصیه‌های مهم غذایی را درباره آنها نیز اجرا کنید.

ضعف و بی‌حالی، کمی سردرد، تشنگی و گرسنگی همه از عوارض طبیعی روزه است که در روزهای آغازین ماه مبارک، افراد دچار آن می‌شوند. بدانید که اینها همه ناشی از تغییر رفتار غذایی است که به تدریج برطرف می‌شوند و مهمتر اینکه هیچ یک از این حالتها مجوز خوردن روزه نمی‌باشد.

سایت تبیان

بهای نشریه ذکر صلوات جهت سلامتی آقا امام زمان علیه السلام نشریه نشریه



شیوه‌های یاری امام زمان علیه السلام (قسمت چهارم)

اگر کسی بخواهد خدا را یاری کند تا مشمول عنایات پروردگار و امدادهای غیبی او واقع شود، باید اولیای او را یاری کند و بدیهی است که سر سلسله اولیای الهی و محبوب‌ترین افراد در درگاه ربوبی، پیامبر خدا(ص) و اهل بیت(ع) او هستند و آنان سرچشمه همه برکات و واسطه همه فیوضات الهی می‌باشند و آنچه از طرف پروردگار به بندگانش احسان می‌شود به خاطر آنهاست.

۵) یاری ولی امر(ع) از طریق مرابطه: حضرت آیت الله فقیه ایمانی ابتدا «مرباطه» را این گونه معنی می‌کند: «مرباطه، یعنی آمادگی و مسلح بودن در برابر دشمنان اسلام در مرزها» ایشان با آوردن این آیه و تفسیر آن از امام صادق(ع)، یاری امام عصر(ع) به وسیله مرابطه را چنین می‌نویسند: کلینی در کتاب «کافی» در ذیل این آیه شریفه «اصبروا و صابروا و رابطوا» ۸ از امام صادق(ع) روایت کرده: یعنی «بر سختی و اجبات صبر کنید و یکدیگر را به پایداری در مصایب امر کنید و برای ائمه(ع) مرابطه نمایید».

مؤلف آنگاه مرابطه را در دو قسم این گونه تبیین می‌کند: ۱. اینکه جمعی از مسلمانان برای حراست از کیان کشور اسلامی پیوسته آماده باشند که یاری امام زمان(ع) بدین شیوه کاملاً واضح است، زیرا حفظ کیان اسلام و مسلمانان از اموری است که به وجود مبارک امام(ع) بازگشت کرده و از شئون امامت است. پس هر کس در این راه تلاش کند، زحمتی از دوش مبارک آن حضرت برداشته، باعث عزت و شرف ایشان گشته و به نوعی امام خود را یاری کرده است:

۲. قسم دوم مرابطه آن است که شخص مؤمن پیوسته و در همه حال منتظر فرج امام زمان خود باشد و خویشتن را برای شرکت در قیام بزرگ و جهانی آن حضرت هر چند با آماده کردن یک تیر مهیا سازد که امام صادق(ع) در این باره فرمود: «هر یک از شما [مسلمانان] باید برای قیام قائم آمادگی پیدا کند، اگرچه با داشتن یک تیر باشد».

شیوه‌های یاری قائم آل محمد، ص ۲۳ و ۳۲



ناصحانه ی سلمان به ابودرداء

طبق بعضی از روایات، پیامبر صلی الله علیه و آله در ماجرای عقد برادری، بین سلمان و ابودرداء، عقد برادری جاری ساخت و بعداً در زمان خلافت عمر، ابودرداء به عنوان قاضی شام، به شام رفته و در آنجا سکونت کرد. سلمان که در مدائن بود، روزی نامه‌ای را دریافت کرد، که ابودرداء از شام برای او چنین نوشته بود:

«سلام بر تو، بعد از آنکه از همدیگر جدا شدیم، خداوند، ثروت و فرزندان به من بخشیده است، و در سرزمین مقدس (شام و بیت المقدس) سکونت نموده‌ام.» سلمان در پاسخ او، در نامه‌ای چنین نوشت:

سلام بر تو، برای من نوشته‌ای که خداوند ثروت و فرزند به تو بخشیده است، ولی بدان که سعادت، در افزایش ثروت و فرزند نیست، بلکه سعادت در افزونی حلم و بردباری است و در این است که علم تو برای تو سودمند باشد، و نیز نوشته‌ای که در سرزمین مقدس (بیت المقدس و اطراف آن) فرود آمده‌ای، ولی این را بدان که:

سرزمین برای کسی جانسپین عمل نمی‌شود، کارهای نیک انجام بده آن گونه که گویی عمل خود را می‌بینی، و خودت را آماده‌ی مرگ کن که گویا در حال مرگ هستی، و باید از این سرا بروی.» آری، سلمان در موقعیتی قرار داشت که خود را موظف می‌دید تا در کنار ایرانیان تازه مسلمان بماند، و آنها را پله به پله در صراط اسلام، به پیش ببرد، او حتی مدینه را که مقدس تر از شام است، رها کرده و تا آخر عمر در مدائن می‌ماند، این رفتار او، درسی به همه‌ی روحانیون و مبلغان متعهد می‌دهد که برای تبلیغ و ارشاد مردم، باید سفر کرد، و رنج دوری از دوستان را تحمل نمود، زیرا که هدف، مقدس تر از سکونت و دل بستگی به یک سرزمین، به خاطر امور مادی و رفاه طلبی است.

قبر مقدس او در کنار مدائن بیانگر آن است که «سلمان محمدی» باید تا آخرین نفس، در جامعه حضور یابد، و در کنار مستضعفان بماند، و در نجات آنها همت گمارد.

بینوایان در کنار سفره ی سلمان

شخصی می‌گوید:

سلمان را می‌دیدم که گاهی گوشت می‌خرد، و آن را می‌پخت، و بینوایان را دعوت می‌کرد، و آنها می‌آمدند و کنار سفره ی سلمان با شخص سلمان می‌نشستند، و از آنگوشت او می‌خوردند، و او شاد بود که با آنها مانوس است و همنشین با آنها را دوست دارد.

کتاب رابطه ی ایران با اسلام و تشیع

امام علی علیه السلام در کنار جنازه ی سلمان

اصبغ بن نباته می‌گوید: همین که سلمان از دنیا رفت و هنوز ما جنازه ی او را از قبرستان برنداشته بودیم، ناگهان مردی را سوار بر استر دیدیم که خیلی غمگین بود. از استر پیاده شد و بر ما سلام کرد و ما جواب سلام او را دادیم، گفت: «در مورد غسل و نماز و کفن و دفن جنازه ی سلمان، جدیت و شتاب کنید.»

ما او را کمک کردیم، او برای حنوط و کفن و دفن، کافور آورده بود. به دستور او آب آوردیم، او جنازه ی سلمان را غسل داد و کفن کرد و نماز بر جنازه خواندیم و جنازه را دفن نمودیم.

آن مرد، امیرمؤمنان علی علیه السلام بود که خودش لحد قبر سلمان را چید و قبر را پوشانید. آنگاه سوار بر استر شد که برود، در همین موقع به دامنش چسبیدم و گفتم: «ای امیرمؤمنان! چه کسی خبر درگذشت سلمان را به تو داد و چگونه (به این زودی از مدینه) به اینجا آمدی، با این که فاصله ی راه طولانی است؟»

فرمود: «ای اصبغ! از تو پیمان می‌گیرم که در صورت آگاهی از این ماجرا تا زنده هستم به کسی نگویی.»

گفتم: «ای امیرمؤمنان! من قبل از تو می‌میرم.»

فرمود: «نه، عمرت طولانی می‌گردد.»

گفتم: «بسیار خوب، پیمان می‌بندم تا زنده هستی به کسی نگویم.» فرمود: «ای اصبغ! من هم اکنون در کوفه نماز خواندم و از مسجد به سوی خانه بازگشتم. در خانه خوابیدم، در عالم خواب شخصی نزد من آمد و گفت: «سلمان از دنیا رفت.» بی‌درنگ برخاستم و سوار بر استرم شدم و آنچه برای تجهیز میت لازم است باخود برداشتم و به سوی مدائن آمدم. خداوند این راه دور را برایم نزدیک کرد و اکنون اینجا هستم. رسول خداصلی الله علیه و آله مرا از این ماجرا آگاه کرده بود.»

اصبغ می‌گوید: دیگر علی علیه السلام را ندیدم، نفهمیدم به آسمان رفت یا به زمین و سپس به کوفه آمدم. صدای اذان مسجد را شنیدم، به مسجد رفتم. دیدیم امیرمؤمنان علی علیه السلام به نماز جماعت ایستاده است. این بود سرگذشت عجیب آمدن امام علی علیه السلام

کنار جنازه ی سلمان

حدیث

هر کس روزی ای دارد که حتماً به او خواهد رسید، پس هر کس به آن راضی شود، برایش پُر برکت خواهد شد و او را بس خواهد بود و هر کس به آن راضی نباشد، نه برکت خواهد یافت و نه او را بس خواهد بود. روزی در پی انسان است، آن گونه که اجلش در پی اوست.

اعلام الدین ص ۳۴۲

# فَطْمَئِنَّا بِرَبِّهِمْ رَبِّ الْعَالَمِينَ



کشیدن سیگار در ماه رمضان

از آنجا که برای آگاهی از باید و نبایدهای احکام دینی، باید به مراجع تقلید رجوع کرد، پاسخ این سؤال را که آیا سیگار کشیدن روزه را باطل می‌کند یا نه، در رساله‌ها و استفتائات این علمای دینی جست‌وجو کردیم. در این رابطه، در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری در بخش استفتائات جدید و در پاسخ به سؤال آیا کسی که معتاد به سیگار است و باید در روزه حتماً چند سیگار بکشد، می‌تواند روزه بگیرد و روزه او صحیح است؟ آمده است: «بنابر احتیاط واجب روزه‌دار باید از دودهای انواع دخانیات خودداری کند و در صورت اضطراب و وجوب روزه ساقط نیست».

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی در استفتایی در پاسخ به سؤال کشیدن سیگار و استعمال قلیان آیا مبطل روزه هست، اظهار کرده است: «بنابر احتیاط واجب، روزه‌دار نباید دود سیگار یا قلیان را به حلق برساند» و در پاسخ به این پرسش که «آیا کشیدن سیگار، به صورتی که دود آن را فرو نبرند، روزه را باطل می‌کند؟» تأکید دارد: «اگر دود آن را فرو نبرند روزه را باطل نمی‌کند، ولی تظاهر به آن در این صورت، مناسب نیست و به احترام ماه مبارک ترک شود». در رساله آیت‌الله حسین وحید خراسانی نیز آمده است: «بنابر احتیاط واجب، سیگار روزه را باطل می‌کند ولی اگر کسی این کار را انجام داد واجب است در بقیه روز از مفطرات (چیزهایی که روزه را باطل می‌کند) پرهیز کند و قضا و کفاره بنابر احتیاط بر او واجب می‌شود». مرحوم آیت‌الله محمدتقی بهجت نیز کشیدن سیگار حتی در حالت عادی را حرام می‌دانند. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی نیز در رساله خود، احتیاط واجب دارند که روزه‌دار از کشیدن سیگار و تنباکو و سایر دخانیات پرهیز کند و بخار غلیظ نیز به حلق نرساند.

یکی از بهانه‌های سیگاری‌ها برای سیگار کشیدن در ماه مبارک رمضان این است که می‌گویند دود را وارد حلق‌شان نمی‌کنند، اما آیت‌الله نوری همدانی در خصوص این افراد گفته‌است: «این افراد تنها توجیهی برای خود ساخته‌اند و سیگار کشیدن از مبطلات روزه است.» این مرجع شیعی همچنین درباره این موضوع که آیا روزه فردی که در کنار کسی که در حال استعمال دخانیات است نشسته باشد باطل می‌شود یا نه، حکم داده است: «اگر دود وارد حلق روزه‌دار نشود، روزه وی صحیح است.» آیت‌الله جعفر سبحانی نیز در خصوص نشستن روزه‌دار کنار فرد سیگاری، تصریح کرده‌است که اگر دود به حلق روزه‌دار راه نیابد، روزه وی صحیح خواهد بود.

مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ص ۱۲۷

## نگرانی های امام علی (علیه السلام) برای قرآن

سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آینه تمام نمای بحث ماست که می‌فرماید: علی با قرآن و قرآن با علی است. آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه ادر روز قیامت ادر کنار حوض کوثر به نزد من آیند.<sup>۱</sup>

طبق این گفتار شیوای نبوی، بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله نزدیک ترین فردی که با قرآن آشناست، علی علیه السلام است؛ اما با کمال تأسف این نزدیک ترین یار قرآن را آن چنان منزوی کردند که به گفته ابو صالح حنفی، روزی بر بالای منبر، کتاب خدا را بر سر مبارک نهاد و با کمال ناراحتی به درگاه الهی عرضه داشت: خداوند! مرا از آنچه در این مصحف شریف است، باز داشتند؛ پس آنچه را در آن است، به من بده!<sup>۲</sup>

### نگرانی از انزوای قرآن

از مهم ترین نگرانی های امام علی علیه السلام فاصله گرفتن مسلمانان از قرآن و معارف وحیانی آن بود. آن حضرت در طول حیات خود همواره تلاش می کرد تا مردم مسلمان با مفاهیم بلند و حیات بخش قرآن آشنا شوند و آن را در متن زندگی خود قرار دهند؛ همچنان که خود نیز چنین بود.

امام از انزوای قرآن در میان مسلمانان رنج می برد و با دلی دردمند عرضه می داشت: از مردمی که در جهالت زندگی می کنند و با گمراهی می میرند به خدا شکایت می کنم از برا ادر میان آنها کالایی کسادتر از قرآن نیست، هنگامی که به گونه شایسته تلاوت شود و هیچ متاعی سودآورتر و گرانبهاتر از قرآن نیست، هنگامی که تحریف و از معانی حقیقیش دگرگون شده باشد.<sup>۳</sup>

امام علی علیه السلام یکی از منافع و بهره های وجودی قرآن را توسل به آن می داند و بر این باور مقدس تأکید دارد که: «درمان دردهای خود را از قرآن بخواهید و در سختیهای زندگی از قرآن مدد بجویید که در قرآن درمان بزرگ ترین بیماریها، یعنی کفر و نفاق و سرکشی و گمراهی است. با توسل به قرآن حاجتهای خود را از خدا بخواهید و با محبت قرآن به سوی خدا روی آورید و قرآن را وسیله خواهش از مردم قرار ندهید

آن حضرت می فرمود: «بعد از من روزگاری فرا می رسد که قرآن و پیروانش از میان مردم رانده و فراموش می گردند. هر دو غربیانه در یک مسیر ناشناخته بی پناه می شوند و جایگاهی برای آنان در میان مردم نخواهد بود. قرآن و پیروانش در میان مردم اند؛ اما گویا حضور ندارند. مردم در آن روز در جدایی و تفرقه هم داستان، و در اتحاد و یگانگی پراکنده اند. گویی آنان پیشوای قرآن بوده و قرآن پیشوای آنان نیست. از قرآن جز نامی در نزدشان نیست. آنان جز خطوط قرآن و اعراب آن چیز دیگری را نمی شناسند.»

این نگرانیهای امام علی علیه السلام همه برگرفته از آیات قرآن است که از زبان پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله می فرماید: «و فرستاده خدا گفت: پروردگار! قوم من این قرآن را رها کردند.»

این گلایه و شکایت رسول خداصلی الله علیه وآله و نگرانی علی علیه السلام شامل عصر ما نیز می شود که مسلمانان جهان دست از حمایت و رهبری قرآن کشیده و به طاغوتها و اهل دنیا متمایل شده اند و گر نه، اگر طبق آموزه های قرآن عمل می کردند و با حفظ وحدت و انسجام خود در تحت پرچم توحید با کفر و شرک و مظاهر ضد توحیدی به مبارزه برمی خواستند، هرگز دچار چنین ذلت و تشمت و از هم گسیختگی نمی شدند. آری! فاصله گرفتن از قرآن که رمز حیات، عزت و عامل پیروزی و حرکت و ترقی در زندگی مسلمانان است، چنین فرجامی دارد.

برخی از نشانه های مهجوریت قرآن که دل پیامبرصلی الله علیه وآله و علی علیه السلام را به درد می آورد، عبارت اند از: یادگیری الفاظ و عبارات قرآن و فراموشی عمل به آن، استفاده ابزاری از آیات قرآن، تمسک به ظاهر قرآن و طرد اهل قرآن و مفسران حقیقی (امامان معصوم علیهم السلام)، حفظ و قرائت قرآن بدون تدبر و تعمق، تفسیر به رای و بهره نگرستن از هدایت‌های حقیقی آن.

امام علی علیه السلام حتی در آخرین لحظاتی که در آستانه شهادت قرار داشت، از مهجوریت قرآن نگران بود و سفارش اکید می کرد که: خدا را خداری در مورد قرآن ادر نظر بگیریدی! امبادا دیگران در عمل به آن بر شما سبقت بگیرند!<sup>۴</sup>

سایت تبیان

## شیطان نفر چهارم ما بود...

عبدالله می‌گوید: نمی‌دانم چگونه این قصه را برایت بگویم. داستانی که قسمتی از زندگی‌ام بود و مسیر زندگی‌ام را به کلی دگرگون ساخت. در حقیقت دلم نمی‌خواست پرده از آن بردارم... ولی به خاطر احساس مسؤولیت در برابر خداوند عزوجل... و ترساندن جوانانی که از فرمان او سربیزی می‌کنند... و آن دسته از دخترانی که به دنبال وهمی دروغین که نام آن را عشق گذاشته‌اند، هستند... تصمیم به گفتن آن گرفتم.

سه دوست بودیم که بی‌فکری و غرور ما را دور هم جمع کرده بود. نه، هرگز. بلکه چهار نفر بودیم... شیطان چهارمین نفرمان بود...

کار ما به تور انداختن دختران ساده بوسیله سخنان شیرین و بردن آنها به مزارع دور دست بود... و در آنجا تازه می‌فهمیدند که ما به گرگهایی مبدل شده‌ایم که به التماس‌هایشان توجهی نمی‌کنیم بعد از اینکه احساس در قلبهایمان مرده بود.

این چنین، روزها و شب‌هایمان در مزارع، چادرها، ماشینها و در کنار ساحل می‌گذشت؛ تا اینکه آنروزی را که هرگز فراموش نمی‌کنم از راه رسید:

مثل همیشه به مزرعه رفته بودیم... همه چیز آماده بود... طعمه‌ای برای هر کدامان، شراب ملعون... تنها چیزی که فراموش کرده بودیم غذا بود...

و بعد از مدتی یکی از ما برای خرید شام با ماشینش حرکت کرد. ساعت تقریباً ۶ بود... ساعتها سپری شد ولی از او خبری نشد...

ساعت ۱۰ شد. نگران شدم، سوار ماشین شدم تا به دنبالش برگردم... و در راه...

هنگامی که رسیدیم... بهت زده شدم ماشین دوستم بود که در شعله‌های آتش می‌سوخت و واژگون شده بود... بسرعت مانند دیوانه‌ها به طرفش دویدم و به زحمت او را از درون شعله های آتش بیرون کشیدم... برق از سرم پرید وقتی دیدم نصف بدنش به کلی سوخته، ولی او هنوز زنده بود. او را به روی زمین گذاشتم... بعد از مدتی چشمپمایش را باز کرد و فریاد می‌کشید آتش... آتش.

خواستیم که او را در ماشین بگذارم و به سرعت به بیمارستان برسانم ولی او با صدایی نحیف گفت: فایده ای ندارد... نمی‌رسم...

بغض گلویم را فشردم در حالی که می‌دیدم دوستم در کنارم جان می‌دهد... ناگهان فریاد زد: جواب او را چه بدهم... جواب او را چه بدهم؟ با تعجب به او نگرستم و پرسیدم: چه کسی؟ با صدایی که انگار از ته چاه در می‌آمد گفت: الله...

احساس ترس کردم، مو بر بدنم راست شد. ناگهان دوستم فریاد بلندی کشید و جان داد... روزها گذشتند ولی چهره دوستم همچنان جلوی چشمانم است. در حالی که فریاد می‌کشد و در آتش می‌سوزد. جواب او را چه بدهم... جواب او را چه بدهم؟

و درون خویش را یافتم که سؤال می‌کرد: پس من نیز جواب او را چه بدهم؟

چشمانم پر از اشک شد و بدنم به صورت عجیبی شروع به لرزیدن نمود... در همین حال صدای مؤذن را شنیدم که برای نماز صبح ندا می‌داد: الله اکبر الله اکبر... حی علی الصلاه...

احساس نمودم که این ندا مخصوص من است و مرا به راه نور و هدایت فرا می‌خواند...

غسل کردم، وضو گرفتم و بدنم را از کثافتی که سالها در آن غرق بودم پاک نمودم... و نماز خواندم... و از آن روز یک فریضه هم از من فوت نشده است:

سیاس می‌گویم خدای را... من انسان دیگری شدم و سیاس بر آن که تغییر دهنده احوال است... و با اذن خدا برای ادای عمره آماده می‌شوم و ان شاء الله حج، کسی چه می‌داند؟...

زندگی در دست اوست...

این بود حکایت ابی‌عبدالله و به جوانان چیزی به جز هشدار نمی‌گویم، هشدار از دوستانی که تو را در نافرمانی از اوامر پروردگار یاری می‌کنند.

سایت ایلاف

## سیره زندگانی امام حسن مجتبی علیه السلام

### انفاق همه مال و نصف مال در راه خدا

حضرت مجتبی صلوات الله علیه در احسان و انفاق در راه خدا قدمی برداشت که منحصر به فرد و از فضائل اختصاصی اوست و آن اینکه: دوبار همه دارایی خویش و سه بار نصف مال خود را در راه خدا انفاق و احسان نمود این مطلب مورد تصدیق همه است، شیعه و اهل سنت آنرا در کتابهای خود نقل کرده‌اند، عبارت عربی روایت چنین است: «خَرَجَ الْحَسَنُ (ع) مِنْ مَالِهِ مَرَّتَيْنِ وَ قَاسَمَ لِلَّهِ مَالَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حَتَّى اَنْه كَانَ يُعْطِي نَعْلًا وَ يَمْسِكُ نَعْلًا وَ يُعْطِي خَفًا وَ يَمْسِكُ خَفًا» یعنی: وقتی که نصف مال خود را در راه خدا می‌داد چنان دقت می‌کرد تا جانی که یک نعلین و چکمه را می‌داد و یک نعلین و چکمه را برای خود نگاه می‌داشت.

رجوع شود به بحار ج ۴۳ ص ۳۳۹ و ۳۵۷

### ذکوات امام حسن مجتبی (ع)

حضرت مجتبی صلوات الله علیه در سن هفت سالگی در مجلس حضرت رسول (ص) حاضر می‌شد، آیات وحی را که تازه نازل شده بود یاد می‌گرفت و در خانه برای مادرش فاطمه (س) می‌خواند، هر وقت امیرالمؤمنین (ع) داخل خانه می‌شد می‌دید که فاطمه زهرا آیات را می‌خواند. می‌فرمود: چه کسی اینها را به تو یاد داد حال آنکه امروز نازل شده است؟ حضرت فاطمه زهرا (س) جواب می‌داد:

فرزندت حسن، روزی امیرالمؤمنین (ع) در خانه مخفی شد که ببیند حضرت مجتبی چطور آیات وحی را می‌خواند، حسن (ع) داخل شد، آیات وحی را یاد گرفته بود، ولی تا خواست بخواند مضطرب شد و نتوانست، مادرش از اضطراب وی تعجب کرد، حضرت مجتبی جواب داد:

ای مادر بیانم کوتاه آمد، زبانم بند شد، ظاهراً یک مرد بزرگواری مرا زیر نظر دارد و به من گوش می‌دهد. در این هنگام امیرالمؤمنین (ع) از پس پرده خارج شد و فرزند عزیزش را بوسید و مورد تقدیر قرار داد: «قال یا اَمَا قُلْ بِيَانِي وَ كَلِّ لِسَانِي لَعَلَّ سَيِّدًا يَزْعُمَانِي» (۱) حضرت مجتبی صلوات الله علیه از اول آشنا به آیات وحی و دارای ذکوات خاصی بود.

### عمل طلاق فرسا

از جمله فضائل حضرت مجتبی صلوات الله علیه آنست که: بیست و پنج بار پیاده به زیارت کعبه رفت با آنکه مرکبهای خوب با او برده می‌شد ولی بعلت «افضل الاعمال أحمرها» ۴ مسافت چهار صد و پنجاه کیلومتر راه را زیر اشعه سوزان آفتاب و روی سنگریزه های داغ، پیاده می‌پیمود تا رضایت خدا را بیشتر فراهم آورد.

و چون این کار تصنعی نمی‌تواند باشد، ایمان قوی و خلوص کامل لازم دارد، معاویه که می‌خواست برای خودنمایی کارهای خوب انجام دهد، نتوانست این کار را بکند و حسرت می‌کشید و می‌گفت: بر چیزی غمگین نیستم مگر به آنکه نتوانستم پیاده به حج روم ولی حسن بن علی (علیه‌السلام) بیست و پنج بار پیاده به مکه رفت.

### خوف از محشر

حضرت رضا از پدرانش صلوات الله علیهم نقل می‌کند:

چون رحلت امام حسن (ع) نزدیک شد، گریه کرد، گفتند:

یا بن رسول الله آیا با آن منزلت که نسبت به رسول الله (ص) داری گریه می‌کنی؟! با آنکه آن حضرت در تقرب تو نسبت به او، چیزها گفته است؟! بیست بار پیاده به حج رفته و سه بار هر چه داشته ای در راه خدا انفاق نموده ای حتی یک نعلین را؟! فرمود:

فقط برای دو چیز گریه می‌کنم: وحشت موقت قیامت و مفارقت دوستان

خاندان وحی، سید علی اکبر قریشی، ص ۳۱۹ - ۳۲۴